

## عنوان مقاله:

کردار ادراکی، نقطه تلاقی نفس و بدن در فلسفه برگسون

## محل انتشار:

فصلنامه حکمت و فلسفه، دوره 5، شماره 20 (سال: 1388)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

## نویسنده:

مهدی سلطانی گازار - دانشجوی دانشگاه علامه طباطبایی

## خلاصه مقاله:

هنری برگسون، فیلسوف فرانسوی، از پیشگامان جریانی است که در بحبوحه نگرشهای پوزیتیویستی مدرن، نقش و حجیت دریافتهای متافیزیکی، اخلاقی و دینی را در فلسفه احیا کرد. برگسون با برگزیدن روش معرفتی شهود، به جای روش آزمایشگاهی و پوزیتیویستی علم جدید، محوریتی قاطع به این دریافتها داد. او هرگونه نگاه تجزیهگر به متعلقات معرفت را نادیده گرفتن پیوند و همبستگی ذاتی و درنتیجه قلب ماهیت آنها تلقی میکرد. به نظر برگسون جهان و تمام پدیدههای آن خصلت زمانی دارند و پویا هستند. او از زمان معنای استمرار و توالی همبسته پدیدهها را مد نظر دارد و از آن به «دیرند» تعبیر میکند. از دید او شناخت این ماهیت ذاتی تنها با روش شهودی و ارتباط بیواسطه با جهان و پدیدهها میسر است. بارزترین نمونه این شناخت، وجدانی است که ما از حالات درونی خود داریم. برگسون از نگرش معرفتشناسی خود در جهت تحلیل و تبیین رابطه نفس و بدن بهره میبرد. او دوگانگی نفس و بدن را میپذیرد و تحلیل کردار ادراکی را توجیهگر رابطه آنها معرفی میکند. از نظر او معرفت دو سویه دارد؛ یکی تأثرات حسی و دیگری خاطره یا یاد که در نقطه‌های به نام «یادمانده - نمود» به هم میپیوندند. این نقطه همانند پرده پیانو تأثرات دریافتی را به جریان معرفتی تبدیل میکند. اما به نظر نمیرسد تحلیل برگسون هم تفاوت بنیادینی با غده صنوبری دکارت داشته باشد و در واقع مشکل ثنویت و رابطه نفس و بدن را حل نمیکند، چراکه او نیز دوگانگی نفس و بدن را هستیشناختی تلقی میکند نه معرفتشناختی.

## کلمات کلیدی:

دیرند، شهود، وجدان درونی، تأثر حسی، حافظه، خاطره، یادمانده-نمود، خصلت سینماتوگرافی ذهن

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1194485>

